

## مقدمه

مادری<sup>۱</sup> هر چند در نگاه اولیه مفهومی ساده و ملموس به نظر می‌رسد، اما بررسی آن در میان متون علوم اجتماعی<sup>۲</sup> حاکی از وجود دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد در سطوح داخلی و خارجی است (رضایی و افشار، ۱۳۸۹). برخی مادری را خطیرترین وظیفه زن قلمداد می‌کنند (یزدی، ۱۳۸۸) و برخی دیگر، آن را عامل انقیاد زنان توسط مردان می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳، ۱۳۰). البته این تفاوت رویکردها از آن روست که موضوع گفتگو در ادبیات علوم انسانی، انسان است که در انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی، موجودی «فرهنگی» (پهلوان، ۱۳۸۲: ۳۷) و به بیان دینی، دارای روح الهی است (قرآن کریم، حجر: ۲۹). همین خصیصه، مادری انسانی را متمایز از مادری حیوانی می‌کند و منجر به شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در این باره می‌شود.

بنابراین مقاله حاضر، انواع رویکردها در حوزه مادری در علوم اجتماعی را در دو قالب سنت‌محور و مدرن/فمینیستی بررسی می‌کند که مطالب آن با توجه به رابطه دو مفهوم زن و مادری شکل گرفته است. همچنین رویکرد اسلامی به‌عنوان حوزه مغفول در ادبیات مفهومی موجود در علوم اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد که به‌علت تنوع آراء بین اندیشمندان این حوزه، با محوریت قرآن مطرح می‌شود. در نتیجه، مقاله به این سؤال می‌پردازد که معنای مادری در رویکردهای سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی چیست و ذیل آن، بحث عقل زن به جهت اهمیتی که برای پذیرش نقش مادری و هویت زنان دارد و مورد توجه هر سه رویکرد است، مطرح می‌شود.

## روش‌شناسی

روش این پژوهش، مطالعه اسنادی است. محقق پس از مطالعه منابع موجود در حوزه مادری و زن، به تبیین این مقوله پرداخته است.

## یافته‌ها

محقق در بررسی مفهوم مادری با سه رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی

1 - Motherhood

2 - بخش اعظمی از داده‌های مربوط به مادری ذیل مفهوم maternity در حوزه بهداشت و درمان قرار دارد که متمرکز بر زایمان و مسائل پیرامون آن هستند (برای نمونه نگاه کنید به Koffman, 2014). از سوی دیگر، تحقیقات علوم اجتماعی هم بیشتر از نوع مطالعات جنسیتی‌ای است که موضوع مادری در معنای motherhood چندان موضوع توجه نبوده است.

مواجه گردید که این سه رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱- زن و مادری در رویکرد سنت‌محور

در این رویکرد، تبیین مفهوم مادری منحصرأ با توجه به نهاد خانواده و مبتنی بر اهداف شکل‌گیری این نهاد، جایگاه، نقش و وظایف افراد خانواده تعیین می‌شود (فرهمند، ۱۳۸۵؛ اندرسون، ۱۳۸۵؛ شاه‌آبادی، ۱۳۹۱؛ Dadjouy, 2012). در این میان، باروری و تولید نسل محصول طبیعی ازدواج و به‌مثابه هدف آن است (سگالن، ۱۳۷۰). زن و مادر دو معنای تفکیک‌ناپذیر برای جنس مؤنث به‌شمار می‌رود که به لحاظ ابعاد طبیعی مثل زایمان، تغذیه و مراقبت از فرزند مانند حیوانات، طبیعی‌پندارانه با آن برخورد می‌شود؛ انتخاب برای مادرشدن معنا ندارد و در نتیجه، تنها توجهات بهداشتی و درمانی را به خود معطوف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۸؛ Jabary Azarbaijani, 2012). زن در صورت تجرد یا ناباروری، به‌مثابه کسی که فاقد بخش مهمی از هویت زنانگی است، قلمداد می‌شود و برای جبران این فقدان هویتی یا باید زن مقدس مذهبی شود (Swift, 2015) و یا همسر دیگری برای شوهرش در نظر بگیرد و به زندگی حقیرانه حتی از منظر سایر زنان تن دهد. هم‌چنین چنانچه مشکل ناباروری مربوط به مرد باشد، زن برای جلوگیری از برچسب خوردن و فشارهای اجتماعی، طلاق می‌گیرد (عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۴۹).

دیدگاه جامعه‌شناسانی چون پارسونز<sup>۱</sup> و گیدنز<sup>۲</sup> را می‌توان ذیل معرفی زن در رویکرد سنت‌محور قرار داد. پارسونز، برعکس فروید، شخصیت را خالی از غریزه می‌داند و ارزش‌های فرهنگی درونی‌شده و هنجارهای اجتماعی را جایگزین آن و اکتسابی می‌داند (روشه، ۱۳۹۴: ۲۲۳). او معتقد است نظام اجتماع بر اساس تفکیک و تخصص بنا شده و خانواده به‌عنوان پاره‌نظامی از نظام کل، از همین قانون پیروی می‌کند. از این‌رو با تفکیک وظایف زن و مرد، پدر، نماد کار در خارج از خانه، تولید و رقابت است و مادر، منبع عمده امنیت، نماد عشق و پذیرش بی‌قید و شرط به‌شمار می‌رود که این مبنای جامعه‌پذیری کودک قرار می‌گیرد (روشه، ۱۳۹۴: ۲۱۶). در این تقسیم نقش، مردها مسلط و رقابت‌جو و زنان انفعالی و پرورش‌دهنده‌اند تا کل جامعه از این تفاوت‌ها سود برد (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۸۱). به دیگر بیان، در فضای مذکور تفاوت شکل ظاهری و بیولوژی، مبنای تمایز جنس زن و مرد و به تبع آن آشکارکننده تفاوت در توانایی‌ها و تفکیک نقش‌ها و وظایف است. در امور اقتصادی نیز، ابتدا به علت اشتراکی بودن

1 - Parsons

2 - Giddens تحلیل‌های جامعه‌شناسی وی به‌ویژه مقایسه دوران گذشته و معاصر، محقق را در فهم زن و مادری سنتی یاری نمود.

کار و تولید بین زن و مرد در خانواده، تفکیک حقوق اقتصادی زن و مرد مورد نیاز نیست، ولی با جدا شدن محل کار از خانه و نان‌آوری مرد، حقوق اقتصادی به مرد اختصاص می‌یابد و زن در نقش‌های همسری، مادری، خانه‌داری، کدبانوگری و مانند اینها ایفای نقش می‌کند (سعیدیان، ۱۳۹۲). بعدها با گسترش شهرنشینی و شکل‌گیری حکومت‌ها، تأمین امنیت خانواده به تدریج از عهده مرد خانواده کاهش یافته و به قوای حکومتی واگذار شد. بدیهی است هر چه حکومت از وظایف خانواده به‌لحاظ ظاهری کم می‌کند و قوای مختلف در شهر و سپس کشور را تشکیل می‌دهد، برای تأمین مخارج خود به کمک خانواده در قالب نظام‌های مالیاتی وابسته می‌شود. بنابراین نقش اقتصادی در خانواده بیش از پیش رخ می‌نماید و مرد که عهده‌دار این مسئولیت است، در مقام بالاتری نسبت به گذشته قرار می‌گیرد. موازی با چنین تغییری، کاهش نقش زنان در نان‌آوری و کسب درآمد را شاهدیم که منجر به کاهش منزلت آنان در خانواده می‌شود. زندگی در چنین فضایی، القاکننده فرادستی، عقلانیت و قدرتمندی مردها و فرودستی و ضعف زنان است؛ زیرا قدرت در پول است که مرد کسب می‌کند و زن و فرزندان به‌مثابه مصرف‌کننده، در مرتبه‌ای نازل‌تر از مرد از آن بهره‌مند می‌شوند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۲۰۵). با تقسیم کار بیرون با درون خانه و اهمیت یافتن ابعاد نان‌آوری و دفاعی، زن با ویژگی‌های متضاد با مرد، به‌عنوان موجودی ضعیف‌الجسه، مصرف‌کننده، محتاج حمایت، فرودست، عاطفی، غیرعقلانی (به‌سبب عدم انجام امور اقتصادی) و در داخل خانه معنا می‌شود که در عین حال که زایا و برای رفاه، نشاط و بازی است، برای مرد به‌مثابه بار، اموال و مایملک محسوب می‌شود؛ موجودی که از خود اختیار، انتخاب، عقل و هویت مستقل ندارد و تنها هویت و ضامن بقای او که وی را مستحق تحت پوشش حمایت انسانی (مرد) قرار می‌دهد، زایایی (مادری) اوست. زن خوب؛ یعنی مادر فداکار که همه زندگی خود را وقف همسر و فرزندان کرده، خودش حق استقلال در عرصه‌های فکری، اجتماعی و مالی را ندارد و همواره تابع مرد به سبب حمایت‌های مادی اوست (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۰-۲۶). در مقابل، مفهوم زن بد شکل می‌گیرد که با هرگونه فاصله‌گرفتن از معیارهای زن خوب، این برجسب به او الصاق می‌شود؛ مثلاً یا نابارور است و یا پسرزا نیست، به خود و حقوق انسانی‌اش هم می‌اندیشد، برای خودش حق تعقل، اراده و انتخاب قائل است و در زندگی منفعل نیست، تمام توجهش به همسر، کدبانوگری و خانه‌داری معطوف نیست و به فعالیت در خارج از خانه هم می‌پردازد (ادگار و سچ ویک، ۱۳۸۷: ۳۵، ۹۷، ۲۴۱). به این ترتیب، تفاوت‌های بدنی زن و مرد که ابتدا مبنای تقسیم نقش‌ها در زندگی مشترک بود، کم‌کم از تفاوت‌های طبیعی فاصله گرفت و به تضادهای زن و مرد تبدیل شد که عارضی و برساخته بود.

### فلسفه و دین در رویکرد سنت‌محور دربارهٔ مادری

نگاه فلسفه و دین در جامعه سنتی را نیز باید در شناخت زن و مادری در رویکرد سنت‌محور لحاظ نمود. پیش از ادیان الهی، افرادی چون افلاطون و ارسطو نگاه پستانگاران به زن داشته‌اند (خدای، ۱۳۹۱: ۳). ارسطو نخستین اجتماع را حاصل ازدواج زن و مرد می‌داند که به‌طور غیر ارادی و از روی طبیعت، با همدیگر برای بقای نسل درمی‌آمیزند و در این اجتماع، مرد به جهت نیروی هوش خود فرمانرواست و زن به‌خاطر کار بدنی، فرمانبردار است (ارسطو، ۱۳۶۴: ۲). وی، رابطهٔ زن با مرد را رابطهٔ زیردست با زبردست و فرمانروا با فرمانبردار عنوان می‌کند که به‌عنوان اصلی کلی باید دربارهٔ همه آدمی‌زادگان صدق کند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۱). او می‌گوید:

«...در نظام طبیعی، مرد برای فرمانروایی از زن شایسته‌تر است؛ همچنان‌که مهتران و دانایان برای حکومت شایسته‌تر از کهتران و نادانانند...» (ارسطو، ۱۳۶۴: ۳۳).

ارسطو با بیان برتری نفس از جسم، نطفهٔ مرد را منشأ نفس و نطفهٔ زن را به‌وجودآورندهٔ جسم می‌داند (Aristotle, 2015: 5/2) و با اصالت‌بخشیدن به مرد، زن را نسبت به وی ناقص می‌داند و معتقد است مرد به‌دلیل قابلیت بارورکردنش مرد است و زن به‌خاطر ناتوانی‌اش در بارورکردن، زن است. در نتیجه، زن با توجه به نقش خود در تولید مثل، با مرد عقیم برابر است (Aristotle, 2015: 20/1). ایدهٔ ارسطو بعدها توسط فلاسفه غربی پررنگ‌تر می‌شود و ترتولیانوس<sup>۱</sup>، دلیرترین مبارز راه مسیحیت در دورهٔ گسترش کلیسا زن را در کتاب «دربارهٔ نمایش» با عنوان «دری که دیو از آن به درون می‌آید» معرفی می‌کند و می‌گوید:

«به‌خاطر گناه تو بود که مسیح مرد» (دورانت، ۱۳۶۷ الف: ۷۱۶-۷۱۷).

توماس آکویناس<sup>۲</sup> نیز به تبعیت از ارسطو مدعی شد که طبیعت، مثل پدر یک قبیلهٔ قرون وسطایی، همواره مایل است طفلش پسر باشد و زن، موجودی ناقص عرضی، مذکر منحرف شده و نتیجهٔ نقص قوهٔ تولیدی مرد است (دورانت، ۱۳۶۷ ب: ۱۳۱۱). از نظر توماس، زنان فقط برای تولید نسل خلق شده‌اند، هرچند که در این عمل نیز نقش منفعلانه دارند و از احترام کمتری نسبت به مردان برخوردارند (هولم و بوکر، ۱۳۸۴: ۸۴). وی معتقد است زن، جزئی از مرد و یک دندهٔ او؛ آغاز و انجام زن است، همان‌گونه که خداوند سرچشمه و پایان کائنات است. مرد، فقط برای تولید نیازمند زن است درحالی‌که زن در همه چیز محتاج مرد است. مرد، کلیهٔ امور (حتی امور خانه) را بهتر از زن انجام می‌دهد و زن صلاحیت تصدی هیچ شغل مهمی را در دستگاه

1 - Tertullianus.

2 - Thomas Aquinas.

کلیسا یا مملکت ندارد. بنابراین زن باید مرد را مولای طبیعی خود بداند، راهنمایی وی را بپذیرد و انضباط و مؤاخذه‌های او را گردن نهد تا به این طریق، به مقصد اصلی و سعادت خویش نائل شود (دورانت، ۱۳۶۷: ۱۳۱۱-۱۳۱۲). بنابراین در نگاه فلسفی، نمی‌توان زن منهای مادری را تصور نمود و هرچه در خصوص زن مطرح می‌شود، مادری نیز همان است. اما برای شناسایی زن و مادری در دین با رویکرد سنت‌محور، تلمود<sup>۱</sup>، عهد قدیم<sup>۲</sup> و عهد جدید<sup>۳</sup> را می‌توان مبنای بررسی قرار داد. تلمود به‌عنوان کتاب مهم در فرهنگ یهودیان و راهنمای رفتار و مؤثر در نظریه و عمل زندگی آنان (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۲۱)؛ در نیایشی در مناخوت، ۴۳ چنین آورده است:

«انسان موظف است که هر روز این سه دعای برکت را بخواند، متبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، که مرا زن نیافرید و که مرا یک بی‌سواد و بی‌معرفت به وجود نیاورد.»  
 علی‌رغم توجه به اثرگذاری زن در خوبی یا بدی مرد در برشیت ربا، ۱۸، ۱ درباره‌ی ظرفیت عقلانی زن نظرات مختلفی در تلمود مطرح شده است؛ به‌نحوی که از یک‌سو در شبات، ۳۳ زنان را کم‌ظرفیت معرفی می‌کند و در کتوبوت، ۵۹ می‌گوید:  
 «فکر زن تنها متوجه زیبایی خودش است.»

از سوی دیگر، در نیدا، ۴۵ می‌گوید:

«عقل و فهمی که خداوند به زن عطا فرموده است، بیش از عقل و فهمی است که به مرد داده است» (کوهن، ۱۳۸۲: ۱۷۷-۱۷۹).

در کتاب عهد قدیم که مشترک دیدگاه یهود و مسیحیت است، زن از استخوان پهلوئی مرد خلق شده است (کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل دوم، آیه: ۲۲-۲۴) و در خصوص مؤاخذه‌ی خدا برای خطای آدم و حوا در بهشت می‌گوید:

«و آدم گفت: زنی که از برای بودن با من دادی او از آن درخت به من داد که خوردم» (کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل سوم، آیه: ۱۲).

در نتیجه، خدا به حوا فرمود:

«این الم تو و حمل تو را به‌غایت زیاد خواهم گردانید که به زحمت اولادها را خواهی زایید»

1 - به‌علت عدم دسترسی به تلمود، مطالب آن به نقل از کتاب کوهن است.

2 - مسیحیان به دو دوره قائلند: «عهد قدیم» و «عهد جدید». متناظر با این تقسیم، کتاب‌های مربوط به دوره اول را عهد قدیم و کتاب‌های مربوط به دوره دوم را عهد جدید می‌خوانند و هر دو را مقدس می‌شمارند. یهودیان، تنها بخش قدیم را قبول دارند که طی قرن‌ها به دست نویسندگان مختلف نگاشته شده است (بی‌نا، ۱۳۸۷، ذیل «عهد قدیم»).

3 - بخش دوم کتاب مقدس که تنها مورد قبول مسیحیان است (بی‌نا، ۱۳۸۷، ذیل «عهد جدید»).

و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو مسلط خواهد شد. و به آدم گفت چون که سخن زنت را شنیدی و از درختی که تو را امر فرموده گفتم که مخور از آن خوردی، پس به سبب تو زمین، مقرون به لعنت است از آن در تمامی روزهای عمرت به زحمت خواهی خورد» (کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل سوم، آیه: ۱۶ و ۱۷).

در عهد جدید نیز آمده است:

«و می‌خواهم که بدانید شما که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا... و مرد نایبست که سر را بپوشاند که صورت او پرتو خد است و زن پرتو مرد است. که مرد نیست از زن، بلکه زن از مرد است. مرد به جهت زن خلق نشد، بلکه خلق شد زن به جهت مرد... لیکن در خداوند نه مرد جدا از زن است و نه زن جدا از مرد؛ زیرا که چنانچه زن از مرد است، مرد را نیز واسطه زن است و همه از خداوند» (کتاب مقدس، نامه اول باهل قرن‌تس، باب ۱۱، آیات ۳-۱۲).

بنابراین به زنان توصیه می‌کند:

«ای زنان! شوهران خود را چون به خداوند مطیع باشید. از آنجا که شوهر سر زن است، چنانچه مسیح که رستگار کننده بدن است رأس کلیسا است. لهذا چنانچه کلیسیا مسیح را اطاعت می‌نماید، به همین وضع باید که زنان با شوهران باشند در هر امر، و به همین وضع بر مردان واجب است که زنان خود را دوست دارند چون بدن‌های خود... به هر صورت شما هر یک زن خود را دوست دارید چون خود و زن باید که شوهر را محترم دارد» (کتاب مقدس، نامه به افسسیان، باب ۵، آیات ۲۲-۲۳).

پولس مقدس نیز که غالباً ملقب به دومین مؤسس مسیحیت است، در عهد جدید می‌گوید:

«و باید که زن به آرام و با کمال اطاعت تعلیم گیرد. و زن را به تعلیم دادن اجازت نمی‌دهم و نه تا آنکه زیردست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند. از آنجا که اول آدم خلق شد و بعد حوا. و آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شده از حد تجاوز نمود. لیکن در زادن فرزند رستگاری خواهد یافت به شرط استقرارشان در ایمان و محبت و تقدس و وقار» (کتاب مقدس، نامه اول به تیموثیوس، باب دوم، آیه ۱۱-۱۵).

به‌علاوه، سنت آگوستین به‌عنوان بزرگ‌ترین شخصیت کلیسای قدیم به دوستش می‌نویسد:

«چه فرقی دارد که همسرت باشد یا مادرت؟ او هنوز حواست؛ اغواگری که ما باید از چنین زنی برحذر باشیم... من نمی‌دانم اگر نقش بارداری و تولد فرزند را از زن بگیریم، دیگر چه بهره‌ای می‌تواند برای مرد داشته باشد». (محمد، ۱۳۸۹: ۲۷)

مارتین لوتر، بانی آیین جدید پروتستان در دین مسیح نیز نتوانست هیچ مزیتی در وجود زن جز به دنیا آوردن تعداد زیاد فرزندان ببیند و گفت:

«اگر زنان (هنگام زایمان) خسته شوند یا حتی بمیرند، اهمیتی ندارد. بگذار به هنگام تولد فرزند بمیرند؛ زیرا سزاوار آنند» (محمد، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷).

در خصوص مادر در عهد قدیم سفارش جداگانه‌ای نشده و تنها سفارش به والدین و چند مورد سفارش به پدر است و مادران برخلاف پدران، از اموال فرزندان ارث نمی‌برند. اما در عهد جدید به سختی می‌توان سخنی در خصوص احترام ویژه به مادر پیدا کرد (محمد، ۱۳۸۹: ۵۶)؛ زیرا اولین مادر، حواست که گناهکار بود. مادر ایده‌آل مریم‌علیه‌السلام است که با معجزه باردار شد، بخشنده مطلق، مهربان مطلق و فداکار مطلق است. البته سعادت مادری، عالی‌ترین مقام برای زنان است که کلیسای مسیحیت آن را ترویج کرده و رابطه مادر-فرزندی را بسیار مقدس می‌داند که مادر باید این رابطه را به شکل حمایت اصلی در تمام زندگی فرزندش بگستراند (Swift, 2015)؛ هرچند که همچنان دردهای زایمان و سختی‌های بارداری به مثابه تنبیه او از سوی خداوند تلقی می‌شود.

نکته در خور تأمل در خصوص زن و مادری در رویکرد سنت‌محور، تناقض موجود درباره زن و مادری است. از یک‌سو، زن و مادری کاملاً در هم تنیده‌اند و شاخصه هویتی زن به مادرشدن اوست، از سوی دیگر، زن از منزلت کمتر از انسان برخوردار است و در عین حال، مادری مقدس قلمداد می‌شود. به عبارتی، جنس زن برای همگان مادون انسانی است، جز برای فرزندش.<sup>۱</sup>

## ۲- زن و مادری در رویکرد مدرن / فمینیستی

در رویکرد مدرن/فمینیستی - برخلاف رویکرد سنت‌محور- دین دیگر نه به مثابه عامل مؤثر در زندگی و الگوی تحولات جامعه، بلکه به حاشیه رانده شده است. در این رویکرد، مبتنی بر ادراک تجربی و عقلانیت ابزاری مدرن حاکم، به تدریج دغدغه جامعه زنان، بحث تضاد نقش‌ها و راهکارهای آن است، مثل تضاد نقش مادری و خانه‌داری با اشتغال (Swift, 2015)؛ که در رویکرد مدرن/فمینیستی با برقراری تقابل بین جنسیت و جنس، زن را ذیل جنسیت و مادری را ذیل جنس قرار می‌دهند. به اعتقاد فمینیست‌های رادیکال، زنان یا در تاریخ مطرح نشده‌اند یا اگر به عنوان قهرمان از آنان یاد شده، همیشه به عنوان مادری فداکار و همسرانی وفادار، و نه به عنوان موجوداتی مستقل از مردها بوده‌اند. لذا تلاش فمینیست‌ها این بود که هویت زن را جدای از مادری تعریف کنند؛ زیرا مادری را ریشه فشار بر زنان می‌دانند. آنها سلامت و آمادگی جسمی، فکری و روحی مادر را مقدم بر فرزند می‌دانند و معتقدند رشد علمی و عقلانی زن و

1 - اغلب، رویکرد سنت‌محور با پدرسالاری شناخته می‌شود، اما برخی قائل به مادرسالاری در دوره شکار و قبل از دوره کشاورزی به علت ناشناخته بودن قدرت باروری مرد در آن دوره‌اند (Read, 1389) حتی در صورت پذیرفتن آن، خانواده در دوره سنت‌محور به صورت پدرسالاری مطرح است.

توجه به زندگی شخصی، زمینه‌ساز ایفای نقش بهتر مادری است (آبوت و والاس، ۱۳۹۳). با پیشرفت تکنولوژی مدرن، دیگر تقسیم کار سخت و نرم مانند دوران سنت‌محور نیست و چه بسا مرد و زن هر دو کارمندی شوند که فقط با قلم و کاغذ یا رایانه و تلفن کار می‌کنند. بنابراین غیر از مسئله مادری - که تفاوت طبیعی چشمگیر و غیر قابل انکار زن و مرد است - در زمینه اشتغال، باورهای پیشین سنتی کمتر وجود دارد و حتی می‌شود زن و مرد هر دو در خانه مشغول دورکاری شوند. در چنین فضایی، دیگر فرزند پسر نسبت به دختر چندان تفاوتی ندارد و زوجین به جای مهم پنداشتن فرزند پسر نسبت به دختر، به فرزندآوری (مادر شدن) یا عدم آن (مادر نشدن) فکر می‌کنند و اینکه اگر فرزند می‌خواهند چه تعداد و با چه فاصله زمانی باشد. به علاوه، به کمک فناوری‌های جدید، امکان تعیین جنسیت فرزند بسته به علایق و سلیقه والدین افزایش می‌یابد (مردانی، ۱۳۹۱). فرزندآوری در رویکرد مدرن/فمینیستی بر خلاف رویکرد سنت‌محور، معادل افزایش هزینه در خانواده است (ریبنز مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۴۷۵) و کاهش فرزندآوری<sup>۱</sup> از جمله تبعات آشکار گسترش زندگی شهری و تغییر نقش‌هاست؛ زیرا با تخصصی شدن علم، افزایش مهاجرت‌ها برای اشتغال و تحصیل، فرزندان از خانواده جدا شده و ازدواج آنان بدون دخالت والدین انجام می‌شود. چنین روالی، با محاسبات مادی جور نیست و والدین به این می‌اندیشند که مابه‌ازای این همه هزینه برای فرزندان، چه سودی عایدشان می‌شود؟ بنابراین، از یک‌سو، حضور کمتر زن و مرد در کنار همدیگر به سبب اشتغال یکی یا هر دو آنها در خارج خانه، و از سوی انحصار نقش نان‌آوری خانواده به مرد و مصرف‌کننده شدن زن و فرزندان در خانواده‌هایی که تمایل به سبک زندگی سنت‌محور دارند، منجر به فشار اقتصادی بر مرد و فشار تنهایی زن در نگهداری از فرزندان می‌شود. در نقطه مقابل در خانواده‌هایی که به سبک زندگی مدرن تمایل دارند، فشار ناشی از اشتغال زن و مرد در کنار اهمیت زیبایی بدن و تناسب اندام، جلوه‌های ظاهری جذاب و مهم دانستن جوانی، تفریحات هزینه‌بر خانواده و مانند اینها، امکان و تمایل به فرزندآوری را کاهش می‌دهد. نکته درخور تأمل این است که با توجه به مشارکت دادن والدین (و نه فقط مادر) در ارتباط با فرزند در خانواده مدرن (علیرضایی، ۱۳۷۹: ۸۲)، بیشتر از مفهوم مادری، واژه فرزندآوری مورد توجه قرار می‌گیرد و این بار، زن منهای زحمات منحصر به فرد خود در بحث مادری، به مثابه ایژه جنسی و فارغ از حمایت عاطفی و اقتصادی از جانب خانواده مطرح می‌شود.

در رویکرد مدرن/فمینیستی با نوعی سیر تحول معنایی مادری روبه‌رو هستیم که به تعبیر

1 - کاهش موالید قبل از به وجود آمدن وسایل ضد بارداری و ابتدا در مجامع پیشرفته مادی و خانواده‌های مرفه صورت گرفت که این، فرضیه کاهش موالید به خاطر مشکلات اقتصادی و یا ظهور وسایل ضد بارداری را رد می‌کند (Mace, 2008).



هگلند<sup>۱</sup> معنای مادری از فدایی و از خود گذشته که در رویکرد سنت محور بود، به همدم و راهبر تغییر کرده است (Jabary Azarbaijani, 2012). نتیجه چنین تغییری آن است که پدر نیز در مراقبت از فرزند، سهمیم دانسته شده است و با دخالت دادن او، فرصت ایفای نقش اجتماعی مادر فراهم می شود (دادجوی، 2012). به علاوه، دولت ها در این خصوص دخالت کرده و با ارائه انواع خدمات اعم از خدمات آموزشی، بهداشتی، بیمه و... در صدد کاهش فشار دوران مادری هستند. ماحصل چنین تحولاتی این است که توجه به مؤلفه کمیت فرزندان جای خود را به کیفیت داده است و با افزایش تلاش ها برای خدمات رسانی در حوزه بهداشت و درمان و کاهش مرگ و میر کودکان، شاهد کاهش موالید که بیانگر فشار گفتمانی و ترس از بارداری است، نیز هستیم (Mace, 2008). در تحول معنایی مذکور ابزار علم و رسانه ها نقشی به سزا داشته و به مقابله با معانی رویکرد سنت محور برآمده اند و شالوده شکنانه به روابط قدرت سنتی نگاه می شود (فاضلی، بی تا). در جامعه پسا صنعتی، زنان با هدف برابری با مردان به لحاظ حقوق انسانی، مبارزه می کنند و زنانگی، مادری و خانواده را قربانی می کنند تا بتوانند زن را از مرتبه پست تر از مرد به مرتبه برابر با او برسانند. دیگر ازدواج، رابطه جنسی و لقاح، سه مقوله جدا از هم هستند و مادری، امری محاسباتی و متناسب با اهداف زندگی لذت جویانه و راحت طلبانه مدرن و چه بسا خارج از چارچوب ازدواج و زیر میکروسکوپ محقق می شود (Djerassi, 1999). آن قدر معانی تابع شرایط فرهنگی و اجتماعی و مقاصد کلان نظام سلطه می شود که زنان می پندارند که خودشان مادر شدن خود را انتخاب می کنند، در حالی که فشار اجتماعی حاصل از جریانات فکری حاکم بر علم و رسانه ها با دست پنهان خود، انتخاب افراد را رقم می زند (Donath, 2014).

پس از جریان مدرن و با ظهور جریان های پست مدرن، دیگر نمی توان از یک رویکرد ثابت در نگاه به مادری سخن گفت (Jabary Azarbaijani, 2012). گسترش و غلبه جهان بینی پلورالیستی به تدریج مادری را بدل به مفهومی انتزاعی کرده که تعریف یا نظریه واحدی در خصوص آن نیست و هرکس بنا به تجربه زیسته، جهان بینی و فرهنگی که در آن زندگی می کند، درباره آن سخن گفته است. عباراتی مانند مادر ژنتیک، مادر بیولوژیک و مادر اجتماعی با توجه به پیشرفت های علمی وارد مفهوم مادری شده اند (امیرمظاهری، ۱۳۹۰؛ Donath, 2014; Swift, 2015)؛ مادری یک تجربه مشترک جهانی نیست و شاهد گفتمان مادری هستیم (Pitt, 2008) که در این مقاله در قالب سه رویکرد مطرح شده است. به تعبیر فوکو<sup>۲</sup>، شاهد نوعی واقعیت گفتمانی هستیم که «جنس»<sup>۳</sup> درون آن قرار می گیرد و گفتمان های

1 - Hegland

2 - Foucault

3 - sex

جنسیت‌های<sup>۱</sup> چندشکلی از طریق مواردی چون پزشکی، کلیسا، روانکاوی، برنامه‌های آموزشی و جمعیت‌شناسی منتشر و متکثر می‌شوند (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۱۹-۵۲۰).

### ۳- زن و مادری در رویکرد اسلامی

بیان دیدگاه اسلام دربارهٔ زن و مادری در دورهٔ معاصر، خالی از مشکلات و دشواری‌ها نیست؛ زیرا از یک‌سو، برخی آثار دینی و اسلامی در نگاه نخست، متفاوت و مخالف با یکدیگر به نظر می‌آیند و از سوی دیگر، برخی عادات ملل اسلامی، با تعالیم اصیل اسلامی به‌گونه‌ای آمیخته شده که تصور می‌شود اینها همه از اسلام است. بنابراین، باید ابتدا بین تعالیم دینی مستقیم و مستند، با عادات موروثی تمایز قائل شد و سپس بین متون دینی مستند، این دو بخش را تفکیک نمود؛ بخشی دربارهٔ زن و شئونات او که مربوط به مرحله‌ای معین از تاریخ است و بخش دیگری که مبتنی بر تعالیم بنیادین و جاودان است (صدر، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴). بنابراین، برای تبیین مفهوم زن و مادری در رویکرد اسلامی، باید به کتاب «قرآن» مراجعه کرد که با حفاظت الهی، مصون از تحریفات بوده و منبع اصلی شناسایی دین اسلام است. متن قرآن در تقابل با متون دینی و فلسفی‌ای که در رویکرد مدرن/فمینیستی مطرح شد، زن را نه طفیلی وجود مرد و جنس پست‌تر، بلکه دو صنف از نوع واحد می‌داند و عامل برتری یکی بر دیگری را نه جنس، بلکه تقوا عنوان می‌کند. آیه اول سوره نساء دربارهٔ نوع واحد زن و مرد می‌فرماید:

«ای مردم! از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید...».

آیه ۳۲ سوره نساء نیز در عبارتی تأمل‌برانگیز از زنان و مردان می‌خواهد تا برتری‌های یکدیگر را آرزو نکنند و خواهان فضل پروردگار باشند. همچنین در آیه ۱۳ سوره حجرات عامل برتری را تقوا معرفی می‌کند:

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست...».

به‌علاوه در مسئلهٔ هیوط آدم به زمین و طرد او از بهشت خداوند، نه فقط حوا را بلکه «هر دوی» آنها را فریب‌خورده معرفی می‌کند؛ به‌عنوان مثال در آیهٔ ۳۶ سوره بقره می‌فرماید:

«پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید...»

و سجدهٔ فرشتگان برای آدم نیز به معنای سجده به نوع آدم و نه جنس مذکر بوده است

(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳/۸)؛ زیرا در آیات مربوط به آفرینش آدم، نوع انسانی به‌عنوان خلیفه خدا در کنار سایر انواع مخلوقات اعم از جن و ملائکه مطرح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷۲-۱۷۳).

اما اسلام در عین اعتقاد به تساوی زن و مرد از منظر انسانی و بیان تکالیف مشترک، تفاوت‌های موجود در این دو جنس را عامل تفاوت‌هایی در احکام و حقوق می‌داند که این امر در آیات مرتبط با ارث، دیه، نفقه، حقوق خاص زن و مرد، پوشش و... اشاره شده است. به عبارتی، در رویکرد اسلامی نه مانند رویکرد سنت‌محور، زن فرودست مرد به‌لحاظ ارزشی محسوب می‌شود و نه مانند رویکرد مدرن/فمینیستی با تأکید بر ضرورت تشابه زن و مرد، تفاوت‌های آن دو به حاشیه می‌رود. البته برخی آیه ۳۴ نساء را که می‌گوید:

«... و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید...»

منافی کرامت زن عنوان می‌کنند؛ درحالی‌که آیه مذکور اولاً نه برای زنان در حالت عادی، بلکه برای نشوز<sup>۱</sup> است. ثانیاً آخرین مرحله و شدیدترین نوع مواجهه با زن ناشزه را ضربه‌زدن در حد چوب مسواک عنوان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۲-۵۵۳/۴) که بیانگر احترام به ظرافت روحی زنان حتی هنگام نشوز است.

همچنین از آنجا که بحث زنان در پرتو مادری مورد نظر این مقاله است، عقل زن به‌عنوان مادر و تربیت‌کننده نسل آینده اهمیت دارد. به‌ویژه اینکه در رویکرد سنت‌محور، به برتری عقل زن بر مرد اشاره شد و در رویکرد مدرن/فمینیستی، یکی از تلاش‌های فمینیست‌ها مقابله با کلیشه‌های جنسیتی است که تقابل دوگانه زن با مرد ذیل مقولات احساس و عقل، یکی از آن موارد است.

### زنان و شبهه نقصان عقل

برخی خطاب‌های قرآنی در مورد تعقل مانند آیات ۴۴، ۷۶، ۲۴۲ سوره بقره و آیه ۴ سوره رعد نشان‌دهنده آن است که خداوند نوع انسان و نه صرفاً مردان یا زنان را به تعقل دعوت می‌کند. مبتنی بر این نوع خطاب، برخی معتقدند اگر عقل، مقوله‌ای تابع جنس بود، خداوند حکیم و عادل باید آیات متفاوتی را در خصوص دعوت به عقل برای دو جنس بیان می‌فرمود<sup>۲</sup>، در حالی‌که در قرآن، عقل را به مقوله قلب روحانی الصاق کرده (قرآن کریم، حج: ۴۶) و عدم تعقل را به حیوانات نسبت داده است؛ به این معنا که عقل برای نوع بشر و وجه تمایز او با

۱ - متضاد قنوت، به‌معنای سرپیچی و بلندطلبی (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۶۳/۵) در وظایف زناشویی است.

۲ - با توجه به مصاحبه محقق با حجه‌الاسلام مهدی طائب در سال ۱۳۸۶.

حیوان است (قرآن کریم، فرقان: ۴۴).

از دیگر دلایلی که شبهه نقصان عقل زنان را زیر سؤال می‌برد، انتخاب زنان مؤمن به‌عنوان الگوی مردان و زنان در آیه ۱۱ سوره تحریم است. در واقع، گویی خداوند علاوه بر کشیدن خط بطلان بر عقاید جاهلانه و تحقیرکننده درباره زن، نه تنها به دفاع از زنان پرداخته، بلکه گاهی آنان را در کانون توجه قرار می‌دهد. چه بسا بتوان در فهم بهتر آیات ۸ و ۹ سوره تکویر، قتل دختران را نه فقط ناظر به قتل جسمانی، بلکه ناظر به قتل روح، شخصیت و اندیشه آنان دانست که در جاهلیت قبل از اسلام رواج داشته و زنان مانند مایملک مرد، به ارث نیز برده می‌شدند (جزایری، ۱۳۸۱: ۷۱۷).

همچنین ارتباط علم‌آموزی، دین و حیا با عقل را در احادیث می‌توان رؤیت نمود که بیانگر فراجنسی/فراجنسیتی بودن عقل است. به‌عنوان نمونه، امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که علم ندارد، تعقل ندارد» (مطهری، ۱۳۵۸: ۵۲۴) و «عقل، راهنمای انسان با ایمان است» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۵/۱). همچنین از امام علی (ع) روایت است که جبرئیل بر آدم (ع) نازل شد و گفت: مأمورم تو را مخیر گردانم بین سه چیز که یکی از آنها را اختیار کنی، فرمود: آنها چیست؟ گفت: عقل، حیا و ایمان. آدم (ع) فرمود: عقل را اختیار کردم، پس جبرئیل به حیا و ایمان گفت: شما بروید، گفتند: به ما امر شده که از عقل، مفارقت و دوری نکنیم (دیلمی، ۱۳۴۹: ۲۸۱)؛ یعنی هر کجا عقل هست، حیا و ایمان هم هست. اما علی‌رغم آنکه عقل با توجه به قرآن و روایات، به‌عنوان مقوله‌ای فراجنسی/فراجنسیتی شناخته می‌شود، مفسرانی در تفسیر آیه ۳۴ نساء ذیل قومیت، به برتری عقل مرد بر عقل زن اشاره کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۱/۴ و ۵۴۳؛ امین، ۱۳۶۱: ۲۵۵/۸) یا تحت عنوان برتری، توانمندی بیشتر مرد در تدبیر و مدیریت نسبت به زن (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۴۵/۱۸؛ امین، ۱۳۶۱: ۲۵۵/۸)، برتری مرد بر زن را به ذهن متبادر می‌کنند. شهید مطهری نیز با نقل قولی از یک روان‌شناس، مردها را تابع عقل و زنان را تابع احساسات عنوان کرده و در ادامه، مطلبی در رد یا نقد این سخن مطرح نکرده‌اند (مطهری، بی‌تا، ۸۷)، که در کنار سایر مطالب ایشان، معنای کمی عقل زن نسبت به مرد در دیدگاه ایشان را نشان می‌دهد. این نقیصه، چه‌بسا به این دلیل است که علی‌رغم آنکه آیه به برتری‌های دو جنس نسبت به هم و نه برتری یکی بر دیگری اشاره دارد (مطهری، بی‌تا، ۱۱۶)، مفسران فقط به برتری مرد اشاره نموده‌اند و نتیجه برآمده از چنین رویکردی را در حوزه خانواده می‌توان در قالب این جمله شهید مطهری عنوان نمود که:

«...این به‌طور اجمال از مسلمات اسلام است که زن و شوهر در داخل منزل، زن وظیفه

مطیع را باید داشته باشد و مرد، مطاع» (مطهری، بی‌تا، ۱۱۴).

درحالی‌که ضمن استدلال‌هایی که برای عقل آورده شد، چنین رویکردی خلاف سایر

فرامین اخلاقی و توحیدی قرآن یعنی اصولی چون توحید، عدل و عدم ظلم است و معنای این آیه چنین نیست که زن باید در همه امور، تابع شوهر باشد، بلکه گاهی مرد باید از سلیقه و خو است خود بگذرد و گاهی زن (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۹۲) و ولایت افراد نسبت به هم و وظیفه قوامیت نیز در سایه این اصول قرار می‌گیرد. ضمن اینکه با پذیرش کمتر بودن عقل زن نسبت به مرد و لزوم اطاعت بی‌چون و چرای او، اصل مشورت منتفی و مردمحوری جایگزین دمامحوری می‌شود. البته با توجه به سفارش‌های بسیار اسلام به علم‌آموزی به زنان و مردان از یک‌سو و دور ماندن تاریخی زنان از فریضة علم‌آموزی و به تبع آن، پرورش عقل می‌توان گزاره نقصان عقل زنان در سخن مفسران را نه امری واقعی و ذاتی، بلکه امری برساخته ذهنی و ناشی از شرایط تاریخی دانست.

### مادری در قرآن

مفهوم مادری در قرآن با دو واژه «أم»<sup>۱</sup> و «والده» و مشتقات آنها مثل «أمهات»<sup>۲</sup>، «والدات»<sup>۳</sup> و «والدی»<sup>۴</sup> است (دبونی، ۱۳۷۵). کلمه «أم» به معنای «مادر»، «اصل هر چیز»، «ترتیب‌دهنده»، «اصلاح‌کننده» (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۱۹۹/۱) و مرجعی که چیزی یا چیزهایی به آن رجوع می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰/۳) و اعم از والده است. همان‌طوری که «أب» علاوه بر پدر، معنای عمو، معلم و پدرزن را نیز می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۷۰/۱) و اعم از «والد» است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۲)، «والده» نیز اسم فاعل ولادت است (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰۳/۳) که زاینده یا مادر جسمانی را می‌توان در معنای آن به کار برد. بنابراین مفهوم «أم» نسبت به مفهوم «والده» گسترده‌تر است؛ به‌گونه‌ای که هر مادری<sup>۵</sup>، زاینده<sup>۶</sup> نیست، ولی هر زاینده‌ای مادر است. بنابراین، با توجه به عبارت «أمهات المؤمنین» (احزاب: ۶)، ضمن اینکه برخی از زنان پیامبر(ص) فاقد تجربه زایمان بوده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۴۴/۱)؛ این معنا را می‌رساند که مادری به لحاظ فقهی با مادری به لحاظ اجتماعی فرق دارد؛ به‌گونه‌ای که به لحاظ فقهی، فقط احترام و حرمت ازدواج با آنان، با احکام مادری جسمانی یا والده بودن

1 - واژه «ام» درباره غیر انسان هم در عبارات «المقری» و «المکتاب» به کار رفته که خارج از موضوع این مقاله است.

2 - آیات: ۲۳ نساء؛ ۷۸ نحل؛ ۶۱ نور؛ ۴۰ احزاب؛ ۶ زمر؛ ۳۲ نجم؛ ۲ مجادله.

3 - آیه ۲۳۳ بقره.

4 - آیات: ۱۹ نمل؛ ۱۵ احقاف.

5 - أمّ.

6 - والده.

مشترک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۹۰/۳) و جنبه تکوینی به معنای والده بودن را ندارد، بلکه جنبه تشریحی یعنی احترام آنها مثل مادران جسمانی، واجب و لازم (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ۶۷-۶۸/۱۶) و بدون محرمیت فقهی است. به علاوه، مادر شیری هم مطرح است که «...مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما...» (قرآن کریم، نساء: ۲۳). در نتیجه، مادری در قرآن دارای معانی سه‌گانه است که شامل مادر اجتماعی، مادر جسمانی و مادر رضاعی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۵-۲۰۶/۱۷).

### الف: مادر اجتماعی

طبق آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب، مادران مؤمنین و به تعبیری، مادران روحانی یا اجتماعی گروهی خاص از زنان جامعه هستند که خواستار خدا، رسول و سرای آخرت و نه زندگی دنیا و زینت آنند و چنین خصیصه‌ای آن قدر مهم است که خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید در صورت خواستن زندگی دنیا و زینت آن توسط ایشان، آنان را به زیبایی رها ساز و به عبارتی، از اهل پیامبر بودن خارج می‌شوند. ویژگی دیگر ایشان آن است که نیکی و بدیشان اثر دو برابر دارد؛ یعنی پاداش و عذاب آنان دو برابر سایرین است؛ زیرا دیگران به آنان نگاه کرده و الگو می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۳)؛ با نامحرم، نه با ناز و کرشمه، بلکه به شایستگی سخن می‌گویند؛ تمکن، استقرار، وقار و آرامشان در خانه است (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۱۵۶/۳)؛ مانند جاهلیت قدیم، زینت‌های خود را آشکار نمی‌کنند؛ نماز به پا می‌دارند؛ زکات می‌دهند؛ فرمانبر خدا و رسول‌اند و آیات خدا را در خانه‌های خود یاد می‌کنند. چنین می‌شود که خدا ناپاکی را از آنان دور می‌کند و پاکیزه‌شان می‌نماید، به نحوی که از اهل بیت پیامبر(ص) محسوب می‌شوند. نکته درخور تأمل، اینکه اهل بیت پیامبر(ص) علاوه بر خاندان ایشان، معنای گسترده‌تری هم دارد و با توجه به آیات ۳۶ سوره ابراهیم و ۵۱ سوره مائده در کنار این عبارت حضرت رسول(ص) که سلمان را از اهل خود می‌دانند (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ۱۴)؛ ملاک اهل بیت پیامبر(ص) بودن، در تبعیت از قرآن و رسول خداست. بنابراین، آیات مربوط به امهات‌المؤمنین، نه صرفاً برای زنان پیامبر(ص) (امین، ۱۳۶۱: ۲۲۶/۱۰)، بلکه در وصف زنان امت پیامبر(ص) است که مادران مؤمنین و به تعبیری مادران اجتماعی محسوب می‌شوند و به جهت جایگاه مهم و اثرگذارشان، آثار اعمالشان دو برابر سایرین است. به عبارتی، صرف همسر پیامبر(ص) بودن، منجر به فضیلت نمی‌شود، بلکه تقوا و اجرای امر و نهی‌هایی که متفرع بر عدم برابری آنان با سایر زنان است، ایشان را متمایز می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۰-۴۶۱/۱۶) و مادر مؤمنین و یا مادر اجتماعی می‌نماید. به این ترتیب، مادر مؤمنین، لقبی شامل زنانی با ویژگی‌های مذکور و با مراتب و درجاتی متناسب درجات ایمانی است. مادری در چنین معنایی

غیر از مادر زاینده است و در سیره پیامبر اعظم(ص) نیز دیده می‌شود که ایشان فاطمه بنت اسد(س)، همسر ابوطالب(ع) را مادر خطاب می‌کردند و یا به دخترشان، کنیه «أم ابیها» به معنای «مادر پدرش» داده بودند (حیدری، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱ و ۸۲).

### ب: مادر جسمانی

آیات متعددی درباره مادر زاینده یا مادر جسمانی در قرآن است. اولین ویژگی مادر جسمانی، بطن مادر (قرآن کریم، نجم: ۳۲ و نحل: ۷۸ و اعراف: ۱۸۹)، تاریکی‌های سه‌گانه آن (قرآن کریم، زمر: ۶) و سختی‌های دوران بارداری است (قرآن کریم، لقمان: ۱۴ و احقاف: ۱۵) که دو آیه اخیر، از میان سه آیه‌ای که توصیه به والدین نموده (قرآن کریم، لقمان: ۱۴ و احقاف: ۱۵ و عنکبوت: ۸)، مادر را به‌طور ویژه، مورد تأکید قرار داده است. ویژگی دومی که خداوند در خصوص مادر جسمانی یاد می‌کند، زایمان و سختی آن و ویژگی سوم، شیردهی است (قرآن کریم، احقاف: ۱۵) که حداکثر دو سال است (قرآن کریم، لقمان: ۱۴). البته خداوند شیردادن به فرزند توسط مادر زاینده و مدت زمان آن را اجبار نمی‌کند و انجام یا عدم انجام و چگونگی آن را به والدین واگذار می‌کند (قرآن کریم، بقره: ۲۳۳).

بنابراین، در قرآن از یک سو با مادر جسمانی با ویژگی حداقلی مواجهیم که فقط نقش باروری و زاینده‌گی را بر عهده دارد و در آیه دوم سوره مجادله که به بحث اظهار می‌پردازد، می‌فرماید:

«...مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند...»

و از سویی با مادر جسمانی با ویژگی‌های حداکثری مواجهیم که چنین است: «و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: پروردگارا! بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان. در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم» (قرآن کریم، احقاف: ۱۵).

علاوه بر آیات فوق، در باب اهمیت مادر جسمانی در قرآن، می‌توان به خطاب‌های موسی(ع) به برادرش هارون(ع) نیز اشاره نمود؛ ایشان که در خانه فرعون و دامان آسیه(س) -همسر فرعون، جدای از برادرش هارون- پرورش یافته بود، خطاب به برادرش از عبارت «ای پسر مادرم» استفاده می‌کند (قرآن کریم، اعراف: ۱۵۰ و طه: ۹۴). بنابراین چنین می‌توان استنباط نمود که مادر جسمانی، مانند حلقه اتصال فرزندان محسوب می‌شود که نقش محوری را در

ارتباطات خانوادگی و عاطفی ایفا می‌کند. همچنین در آیاتی که دربارهٔ مریم(س) به‌عنوان مادر عیسی(ع) مطرح شده است، ضمن اشاره به صفت صدیقه بودن ایشان (قرآن کریم، مائده: ۷۵)، به پاکی مادر و پدرشان اشاره شده است (قرآن کریم، مریم: ۲۸).

### ج: مادر شیری

مادر شیری یا رضاعی در آیات ششم سورة طلاق، ۲۳ سورة نساء و ۲۳۳ سورة بقره بیان شده است. علی‌رغم اولویت مادر جسمانی یا زاینده در شیردادن به فرزند، در صورت تشاور<sup>۱</sup> و تراضی<sup>۲</sup> بین مادر با پدر یا با کسی که نفقهٔ مادر و فرزند را بر عهده دارد، می‌توان از دایه یا مادر شیری کمک گرفت که در کتب فقهی ویژگی‌های وی مطرح است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۰۶-۳۰۷/۲۹).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی آشکارگی مفهوم مادری در رویکرد اسلامی به‌مثابه رویکردی بدیع در جامعهٔ علمی و در مقایسه با دو رویکرد سنت‌محور و مدرن/فمینیستی بود. جهت نیل به هدف مذکور در سه گام مجزا مفهوم مادری در رویکرد سنت‌محور، مدرن/فمینیستی و اسلامی بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که در رویکرد سنتی مفهوم زن و مادری، به‌مثابه دو روی یک سکه و جداناپذیرند. مادری و باروری امری طبیعی است و بیشترین منزلت زنان به‌سبب مادری کردن به معنای وقف همهٔ زندگی خود برای فرزندان است. در بررسی ادبیات فیلسوفان و متون دینی سنتی آشکار شد که به زنان به دیدهٔ تحقیر نگریسته شده و از آنان به‌عنوان طفیلی وجود مرد و حتی گاهی در حد شیء و عامل اغوا یاد می‌شود. در رویکرد مدرن/فمینیستی مقولهٔ جنس به‌معنای زن بودن و جنسیت به‌معنای مادری از یکدیگر تفکیک شد. با غلبهٔ تفکر مدرن و عقل ابزاری، زنان تلاشی روزافزون برای شبیه‌شدن به مردان را آغاز کرده و به گزینه‌هایی چون انتخاب کردن برای مادر شدن یا نشدن روی آوردند. در این رویکرد، مادری دیگر ذاتی زن نبود و تکثر معنایی یافت.

اما از منظر رویکرد اسلامی، زن و مرد دو جنس از نوع واحدند و عامل برتری، میزان تقوا و نه تفاوت‌های زن و مرد است. اسلام جهت طرد نگاه‌های تحقیرآمیز به زنان، به نمونه‌هایی از زنان با تقوا مانند مریم و آسیه(سلام‌الله‌علیهما) نه فقط به‌عنوان الگوی زنان، بلکه الگوی همهٔ افراد اشاره می‌کند و ایشان را می‌ستاید. مادری در این رویکرد، از خانواده تا جامعه گسترش

۱ - به‌معنای اجتماع کردن در مجلس مشاوره (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۲/۲).

۲ - به‌معنای رضایت میل قلبی (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰۸/۳)؛ رضایت طرفینی (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۸۸/۱).



می‌یابد و علاوه بر مادر جسمانی و رضاعی، با مادر روحانی یا اجتماعی نیز روبه‌رو هستیم. مادر اجتماعی، بیانگر تأثیر بالای کنش زنان در فضای عمومی جامعه است. در حوزه مادر جسمانی (و همین‌طور رضاعی) نیز خداوند به‌ضرورت پاسداشت زحمات مادران در دوران بارداری، شیردهی و پس از آن تأکید می‌کند.

## منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، (۱۳۶۲)، الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- ابن حیون، (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تصحیح محمدحسین حسینی جلالی. ج ۳، قم: جامعه مدرسین.
- آبوت، والاس، (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ادگار، سچ ویک، (۱۳۸۷)، مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ارسطو، (۱۳۶۴)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ چهارم، تهران: سپهر.
- اشتاین، سالتز، (۱۳۸۳)، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- امیرمظاهری، امیرمسعود؛ شریفی، منصوره، (۱۳۹۰) «بررسی جامعه‌شناختی ورود زیست فناوری‌های باروری به مقوله مادری»، مطالعات جامعه‌شناسی؛ ۱۲، پاییز، ۹۱-۱۰۶.
- امین، (۱۳۶۱)، مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن، ج ۸، ۱۰ و ۱۲، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- اندرسون، جسیکا، (۱۳۸۵)، «افتخار مادر بودن»، سیاحت غرب؛ ۳۳، فروردین، ۵۰-۵۴.
- عرفان‌منش، ایمان، (۱۳۹۲)، «بازنمایی الگوهای خانواده و مناقشات گفتمانی آنها در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بارکر، (۱۳۸۷)، مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بی‌نا، (۱۳۷۸)، کتاب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید، معارف: ۵۸، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net). (۱۳۹۴/۵/۱)
- پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۲)، فرهنگ‌شناسی، تهران: قطره.
- جزایری، نورالدین، (۱۳۸۱)، قصص الأنبياء، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران: فرحان.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۸، به تحقیق حجج اسلام حسین اشرفی و روح‌اله رزقی. چاپ دوم، قم: اسراء.
- حیدری، احمد، (۱۳۸۳)، بزرگ زنان صدر اسلام، چاپ چهارم، قم: زمزم هدایت.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۳)، مطلع عشق، گردآوری محمدجواد حاج علی‌اکبری، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

- خدای، سمیه، (۱۳۹۱)، «مادری در اسلام»، نرم افزار مجموعه مقالات همایش مادری و زن تراز انقلاب اسلامی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی.
- خسروی حسینی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. ج ۱ و ۳، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
- دبوئی، نفیسه، (۱۳۷۵)، «تطابق نظام آفرینش و اسلام در وصف مادری به کمال زن»، فقه و حقوق خانواده؛ ۲، تابستان، ۲۷-۳۵.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۷الف)، تاریخ تمدن، ترجمه حمید عنایت، پرویز داریوش و علی اصغر سروش. جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۷ب)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، جلد چهارم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دیلمی، (۱۳۴۹)، ارشادالقلوب، ترجمه مسترحمی، جلد ۲، تهران: مصطفوی.
- رابرتسون، ایان، (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضایی، محمد؛ افشار، سمیه، (۱۳۸۹)، «بازنمایی جنسیتی سریال‌های تلوزیونی (مرگ تدریجی یک رؤیا - ترانه مادری)»، زن در فرهنگ و هنر؛ ۴، تابستان، ۷۵-۹۴.
- روشه، گی، (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ریبنز مک‌کارتی / ادواردز، (۱۳۹۰)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمدمهدی لبیبی، تهران: نشر علم.
- سعیدیان، مریم؛ ارزانی، حبیب‌رضا؛ یراقی، سعیده، (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، اخلاق؛ ۱۱، پاییز، ۹-۴۲.
- سگالن، مارتین، (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- صدر، موسی، (۱۳۹۱)، زهرا(س) فصلی از کتاب رسالت، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۶، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۷)، زن در قرآن، تصحیح و تحقیق محمد مرادی، قم: مرکز نشر هاجر.
- علاسوند، فریبا، (۱۳۸۹) «رسانه و بحران نقش‌های جنسیتی در خانواده»، بازتاب اندیشه؛

- ۱۱۶، زمستان، ۸۳-۱۱۰.
- علی‌رضایی، نصرت‌اله، (۱۳۷۹)، «تبیین نقش و جایگاه زن در خانواده در حال گذار در ایران. مطالعه موردی: دانشجویان متأهل دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فاضلی، نعمت اله، (بی‌تا). فرهنگ و قدرت (درس‌گفتارهای آشنایی با مطالعات فرهنگی)، جزوه کلاسی، تایپ شده، منتشر نشده.
- فرهمند، مریم، (۱۳۸۵)، «Domestic Tranquility آرامش در خانه»، مطالعات راهبردی زنان؛ ۴۳، زمستان، ۱۴۷-۲۰۴.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمد، شریف عبدالعظیم، (۱۳۸۹)، زن در اسلام، مسیحیت و یهودیت، ترجمه مهدی گلجان، قم: مرکز نشر هاجر.
- کلینی، (۱۴۰۷ق)، الکافی، (ط-الاسلامیه)، جلد ۱، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- کوهن، آبراهام، (۱۳۸۲)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سی‌ام، تهران: نشر نی.
- شاه‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، «سینما و یادگیری اجتماعی: ارزیابی نقش والدین در سینمای ایران (۱۳۸۹-۱۳۵۹) بر اساس معیارهای یادگیری اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
- علی‌رضایی، نصرت اله، (۱۳۷۹)، «تبیین نقش و جایگاه زن در خانواده در حال گذار در ایران. مطالعه موردی: دانشجویان متأهل دانشگاه تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مردانی، مرضیه؛ عنایت، حلیمه، (۱۳۹۱)، «جهانی شدن و بحران مادری»، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی؛ ۲، زمستان، ۱۱۳-۱۴۶.
- مصطفوی، میرزا حسن، (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، جلد ۳ و ۵، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸)، رهبری نسل جوان (ده گفتار). نقل در مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۱۳۸۹، جلد ۲۴، قم، منتشرشده از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (کتابخانه دیجیتالی نور).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، عقل و علم. تهران: دبیرخانه طرح مطالعاتی بینش مطهر.
- مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام، جلد اول: مبانی. تهران: دبیرخانه طرح مطالعاتی بینش مطهر.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱، ۳ و ۱۷، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

- نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۲)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۹، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیة.
- محمدی فشارکی، نجمه، (۱۳۹۲)، «بررسی مفهوم مادری در بین دو نسل از زنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- هولم، بوکر، (۱۳۸۴)، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران: نشر بین الملل.
- یزدی، اقدس، (۱۳۸۸)، «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم»، پژوهش های فلسفی؛ ۳۹، بهار، ۱۵۱-۱۸۴.
- Aristotle (2015) On the Generation of Animals, Translated by Arthur Platt, 1,2, South Australia, The University of Adelaide Library, <https://ebooks.adelaide.edu.au/a/aristotle/generation/index.html>.
- Dadjouy, Nasrin,(2012),"Representation of Woman as a Mother in Bollywood Popular Films (Family and Social Films) in 1950's and 2000's", M.A, University of Tehran.
- Djerassi , Carl, (1992) Essays on Science and Society, SCIENCE54, <http://www.sciencemag.org>.) 6 June 2015)
- Donath, Orna, (2014) Choosing Motherhood, Agency and Regret Within Reproduction and Mothering Retrospective Accounts, Women's Studies International Forum, <http://www.sciencedirect.com>.) 7 June 2015)
- Jabary Azarbaijani ,Farnoosh, "Women & the Idea of Motherhood, Beliefs & Contradictions Based on the Character of Nora in Henrik Ibsen's A Doll's House, Sara in Daryoush Mehrjoyee's Sara & Marlene in Caryl Churchill's Top Girls", M.A; University of Tehran.
- Koffman,Ofra, (2014) Fertile Bodies, Immature Brains A Genealogical Critique of Neuroscientific Claims Regarding the Adolescent Brain and of the Global Fight Against Adolescent Motherhood, Social Science & Medicine, In Press, Corrected Proof, <http://www.sciencedirect.com>.) 7 June 2015)
- Mace, Ruth, (2008) Reproducing in Cities, SCIENCE,<http://www.sciencemag.org>.) 7 June 2015)
- Pitt, Nicola, (2008) "Yummy Mummies", Angelina Jolie and Early 21st Century Representations of Mothering, <https://www.tasa.org.au>.) 7 June 2015)
- Read, Donna. M.Y.; Crockett, Judith.; Mason, Robin, (2011) It Was Horrible Shock The Experience of Motherhood and Women's Family Size Preferences, Women's Studies International Forum, <http://www.sciencedirect.com>.) 7 June 2015)
- Swift, Karen .J (2015) Motherhood International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, <http://www.sciencedirect.com>. (7 June 2015)